ب) شرطیت تواتر برای قرآن در مفاتیح الغیب

اما بخش دوم؛ **«و إن قلنا بعدم التواتر خرج القرآن عن کونه مفیدا ًللجزم و القطع»**؛ قرآن که باید متواتر باشد!نمیدانم این بخش دوم را نگاه کردید یا نه؟ من هفته گذشته ارجاع دادم. کل این سی جلد مفاتیح الغیب فخر رازی که بسیار تفسیری مفصلی است، محوریتش به این است که «لایکون القرآن قرآنا الا بالتواتر». در آخر جلسه قبل هم عبارتی را خواندم؛ اگر بگوییم قرآن هست روافض هم میآیند و از این حرفها میزنند! این یکی از آنها بود. من در آن صفحه موارد دیگری را هم آوردهام. پس تعبیر «و ذلک باطل قطعا ًً»؛ نمیخواهد بگوید که قرآن متواتر نیست. بلکه میگوید میدانیم که هست. چطور میخواهیم آن را با این اختلاف قرائات جفت و جور کنیم؟! خب چه جوابی داد؟ جواب داد که قرائات مشهوره خیلی است. بعضی از آنها که متواتر است برای تواتر قرآن کافی است. چه کسی گفته هر چه قرائت مشهور هست، باید متواتر باشد؟!

پس حالا برمیگردیم؛ گفتند «منقولة بالتواتر»، بله، منقولة بالتواتر. پس چرا یکدیگر را در میکنند؟ در غیر این هفت قرائت متواتر، یکدیگر را در میکنند. در این هفت تا که کسی یکدیگر را در نکرده. در سائر قرائات یکدیگر را در کردند. آن هم به این خاطر بوده که در برخی از بلاد تواتر محقق می شده و در برخی دیگر محقق نمی شده. بعضی اشکالات نحوی به یک قرائت بوده و ایراد میگرفتند. این جواب خود فخر رازی است.

بازبینی #4
ایجاد شده 24 آوریل 2024 13:52:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 13:29:36 توسط ... .